

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی

۲۲ اپریل ۲۰۱۴

آداب جنازه

۱۱

همچنین روایت دیگری از ابن عباس (رض) گفته شده است: اگر کسی به خاطر مریضی نتوانست ماه رمضان را روزه بگیرد و در همان حال مرد، وراثت به جای هر روز، مسکینی را خوراک بدهد و اگر روزه نذری بر ذمه‌اش بود، به جای او روزه بگیرند. (ابوداؤد با سند صحیح و بشرط شیخین).

شیخ عثیمین میفرماید:

«آنچه عائشه و ابن عباس بدان فتوا داده‌اند و امام احمد نیز معتقد بوده است صحیح به نظر می‌رسد. زیرا راوی حدیث، بهتر به محتوا و مصداق آن آگاهی دارد.»

ابن قیم در اعلام الموقین بعد از بیان حدیث فوق و تصحیح آن می‌گوید:

برخی محتوای این حدیث را کلی دانسته و روزه فرضی و نذری را شامل قرار داده‌اند. اما گروهی هیچکدام را قبول ندارند. و برخی قائل به تفصیل هستند. می‌گویند: ولی می‌تواند قضای روزه‌های نذر را به جا آورد، نه روزه‌های فرض را. و این سخن ابن عباس و پیروان او است. و همین رأی، صائب به نظر می‌رسد. زیرا همانگونه که کسی نمی‌تواند به جای کسی دیگر نماز بخواند و مسلمان شود، نمی‌تواند که به جای او روزه بگیرد. البته روزه نذری مانند فرضی است که کسی دیگر می‌تواند آن را به جا آورد. همانطور که می‌تواند قرض او را پرداخت نماید.

بر این اساس است که توبه کسی دیگر به جای دیگری و اسلام و نماز خواندن دیگری به جای کسی دیگر پذیرفته نیست.

۳- پرداخت قرض‌های میت، توسط ولی یا غیر ولی: در این خصوص احادیث متعددی روایت گردیده است:

در تعلیمات دین مقدس اسلام با تمام صراحت تذکر رفته است که بازماندگان شخص فوت شده، برای پرداخت قرض هایش باید از مال میت مبادرت ورزند. حتی اگر تمام ثروتش در این راه صرف شود و اگر ثروتی از خود باقی نگذاشته بود ولی در زمان حیات برای پرداخت قرض‌های خود تلاش نموده بود، دولت مکلف است که قرض هایش را بپردازد و اگر دولت، چنین نکرد و افراد خیری قرض هایش را پرداخت نمودند، اشکالی ندارد.

۱- در حدیثی سعد بن اطول می‌گوید: برادرم فوت کرد و سیصد درهم از او به جای ماند. زن و فرزندان نیز داشت. من تصمیم گرفتم ترکه‌اش را برای آن‌ها توزیع نمایم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: برادرت به خاطر قرض هایش در قبر زندانی است. قرض هایش را بپرداز. رفته و قرض هایش را پرداخت نمودم. سپس نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم برگشتم و گفتم: ای پیامبر خدا! تمام

قرض های برادرم را پرداخت نمودم، جز دو دینار. زیرا مدعی آن‌ها زنی بود که شاهد نداشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَعْطَهَا فَإِنَّهَا مُحِقَّةٌ أَوْ صَادِقَةٌ». (یعنی طلب آن زن را نیز بده، چرا که او راست می‌گوید).

۲- سمره بن جندب می‌گوید:

رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از برگزاری نماز جنازه، و در روایتی دیگر، بعد از برگزاری نماز صبح، فرمود: آیا از فلان طایفه، کسی اینجا حضور دارد؟

همه سکوت اختیار نمودند. و شیوه معمول صحابه به این صورت بود که هرگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم ابتداء به ساکن، سوالی مطرح می‌نمود، همه سکوت می‌کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم این سوال را سه بار تکرار کرد ولی کسی جواب نداد.

سرانجام مردی گفت: آن شخص، از فلان طایفه است. روای می‌گوید: آنگاه مردی که از ازش بر زمین کشیده می‌شد، از انتهای مجلس برخاست.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: چرا بار اول و دوم به سوال جواب ندادی؟ سپس فرمود: فلان شخص - که از طایفه آنان بود - به خاطر قرض هایش از رفتن به بهشت منع شده است. اگر مایلید، قرض هایش را بپردازید تا راه او به سوی بهشت باز شود و گرنه، او را به عذاب الهی بسپارید. پس اگر خانواده او و یا کسانی را که به فکر او هستند، ملاقات نمودی به آن‌ها بگو که قرض هایش را بپردازند تا طلبکاری نداشته باشد.

۳- جابر بن عبدالله می‌گوید: شخصی فوت کرد او را غسل دادیم، کفن کردیم، عطر زدیم و در محل مخصوص جناز در نزدیکی مقام جبرئیل گذاشتیم.

تا رسول الله صلی الله علیه وسلم بر او نماز بگذارد، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم را مطلع ساختیم که جنازه آماده است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم چند قدم همراه ما آمد، و سپس فرمود: ممکن است او (میت) مدیون باشد. عرض کردیم: آری، دو دینار بدهکار است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم برگشت و فرمود: شما بر او نماز بخوانید. یکی از میان ما بنام ابو قتاده گفت: ای پیامبر خدا من آن دو دینار را پرداخت می‌کنم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: پس آن دو دینار به عهده تو می‌باشد و از مال تو باید پرداخت شود و از ذمه میت ساقط گردید؟ آنگاه رسول الله بر وی نماز خواند. روز بعد که چشمش به قتاده افتاد، فرمود: در مورد آن دو دینار چه کردی؟ ابو قتاده گفت: پرداخت کردم، رسول الله فرمود: اکنون عذاب از او دور گشته و در آرامش به سر می‌برد.

یادداشت:

از حدیث فوق چنین بر می‌آید که ابو قتاده قرض های میت را پس از اقامه نماز پرداخت نموده است. در حالی که از خود ابو قتاده به روایت صحیح ثابت است که پرداخت دیون، قبل از برگزاری نماز، بوده است. اگر دو مورد مذکور، متفاوت نباشند، صحت روایت ابو قتاده ترجیح دارد. زیرا در سلسله سند روایت جابر، عبدالله بن محمد بن عقیل وجود دارد که متکلم فیه است.

اگر روایات نقل شده از وی، مخالف با روایات دیگران نباشد، در درجه حسن قرار دارند. اما در صورت مخالفت، قابل استدلال نیستند. و الله اعلم.

۲- از مجموع روایات فوق، چنین استنباط می‌شود که اگر قرض های شخص فوت شده، توسط شخصی دیگر غیر از فرزندش پرداخت شود، دین از عهده میت اداء می‌گردد و از عذاب الهی نجات می‌یابد.

بنابراین احادیث فوق در واقع عمومیت آیت (وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) را که گویای این مطلب است که تلاش دیگران برای انسان تأثیری ندارد و همچنین حدیث معروفی را که می‌گوید: هرگاه انسان بمیرد، اعمالش غیر از سه مورد (فرزند نیکوکار، صدقه جاری و علم مفید) منقطع می‌شود. را از بین می‌برد. بدین معنی که گاهی عمل دیگران برای انسان مفید واقع می‌شود.

البته پرداخت قرض های میت با صدقه دادن برای وی، فرق دارد. چرا که پرداخت قرض، امری خاص و پرداخت صدقه، امری عام است.

برخی نقل کرده‌اند که در مورد صحت صدقه دادن برای میت، اجماع وجود دارد. در صورت صحت اجماع، مشکلی وجود ندارد. در غیر اینصورت، احادیثی که در مورد صحت صدقه برای میت وارد شده است، حمل بر صدقه فرزند برای پدر می‌شود. زیرا نص حدیث، فرزند را کسب (جزو اعمال) پدر و مادر می‌داند ولی فرد بیگانه، چنین نیست و قابل مقایسه با فرزند نمی‌باشد. لذا این مقایسه، در واقع قیاس مع الفارق است. همچنین صدقه دادن با ادای دین، قیاس نمی‌شود. زیرا صدقه از ادای دین، عام تر است.

۳- جابر (رض) می‌گوید:

پدرم در غزوه احد شهید شد و شش دختر از او به جای ماند و مقدار زیادی خرما نیز بدهکار بود. طلبکاران برای باز پس گرفتن حق خود اصرار ورزیدند. هنگامی که فصل جمع آوری خرما فرا رسید، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتم و عرض کردم:

ای پیامبر خدا! شما که می‌دانید پدرم در غزوه احد شهید شده و قرضدار است. دوست دارم قرضدارانش با شما ملاقات نمایند.

رسول الله فرمود: برو و انواع خرماها را جداگانه جمع کن. جابر می‌گوید: من نیز مطابق دستور، آنها را جمع آوری کردم. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم را دعوت نمودم. آنحضرت صبح روز بعد آمد. هنگامی که طلبکاران، رسول الله را دیدند، احساس چیرگی نمودند (یقین نمودند که حقشان به آنها خواهد رسید).

وقتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم عکس العمل قرضداران را دید، سه بار اطراف بزرگترین خرمن خرما دور زد و دعای برکت نمود.

سپس کنار آن نشست و فرمود: قرضداران را بگو تا ببینند، رسول الله صلی الله علیه وسلم همچنان خرما کیل می‌کرد و به آنها می‌داد تا این که تمام قرض های پدرم را پرداخت نمود. من فقط راضی بودم که قرض های پدرم اداء شود و چیزی برای خواهرانم باقی نماند. به خدا سوگند که همه خرمن‌های خرما همچنان باقی ماندند. حتی من به خرمنی که رسول الله در کنار آن نشسته بود و از آن به قرضداران داده بود، نگاه کردم گویا یک دانه خرما از آن کم نشده بود. هنگام نماز مغرب رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم و جریان را برایش بازگو نمودم. آنحضرت تبسم کرد و فرمود: نزد ابوبکر و عمر برو و آنان را نیز از این جریان با خبر ساز. وقتی آن دو بزرگوار را آگاه کردم، گفتند: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد، ما می‌دانستیم که چنین خواهد شد.

۴- رسول الله صلی الله علیه وسلم در ادامه یک خطبه فرمود: «مَنْ تَرَكَ مَالًا فَلَوْرَتْيَهْ وَمَنْ تَرَكَ دَيْنًا أَوْ ضَيَاعًا فَعَلَيْ وَاٰلِيَّ وَآلِئِهِ وَآلِئِهِ بِالْمُؤْمِنِينَ». (هرکس پس از خود مالی بگذارد، من (یعنی بیت المال و حکومت) مسؤول پرداخت و پرورش مال و عیال او هستیم).

۵- از عایشه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ حُمِّلَ مِنْ أُمَّتِي دَيْنًا ثُمَّ جَهَدَ فِي قَضَائِهِ فَمَاتَ وَلَمْ يَفْضِهِ فَأَنَا وَوَلِيُّهُ». (هر کس از امتیان من بمیرد در حالی که مدیون است و برای ادای دین، تلاش نموده است، پرداخت آن، به عهده من است).

قابل یاد آوری است: در قبال اعمال نیک و شایسته ای که فرزند صالح میت، انجام می‌دهد به پدر و مادر او نیز، به همان اندازه اجر می‌رسد. بدون این که از اجر فرزند چیزی کاسته شود. زیرا فرزند از جمله کسب و اعمال والدین است. خداوند می‌فرماید: **«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ»** (النجم: ۳۲). (برای انسان نیست، جز آنچه خود تلاش نموده باشد).

و در حدیثی رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: **«إِنَّ أَطْيَبَ مَا أَكَلَ الرَّجُلُ مِنْ كَسْبِهِ وَإِنَّ وَادَهُ مِنْ كَسْبِهِ»**. (بهترین و پاکترین روزی، آن است که انسان از دسترنج خود بخورد و فرزند انسان از جمله کسب و عمل او به حساب می‌آید). در حدیثی از عبدالله بن عمرو روایت می‌کند: عاص بن وائل سهمی، وصیت کرد که یکصد برده از طرف او آزاد شود. پسرش، هشام پنجاه برده آزاد کرد، پسر دیگرش، عمرو، می‌خواست پنجاه برده دیگر را آزاد کند اما گفت: باید در این باره از رسول الله سؤال کنم. نزد رسول الله آمد و گفت: پدرم وصیت کرده که یکصد برده از طرف او آزاد شود. برادرم، هشام پنجاه برده آزاد کرده و پنجاه برده دیگر مانده است. می‌توانم پنجاه برده باقیمانده را از طرف او آزاد کنم؟ رسول الله فرمود: اگر پدرت مسلمان بوده است ثواب آزادی برده یا حج یا صدقه شما به او خواهد رسید. در روایتی دیگر آمده است: اگر او به یگانگی خدا ایمان داشته، روزه و صدقه تو برای او سودمند خواهد بود.

امام شوکانی در نیل اوطار می‌گوید: این احادیث بیانگر آن است که ثواب صدقه دادن فرزند برای پدر و مادر خود، به آن‌ها می‌رسد. اگر چه وصیت نکرده باشند. زیرا فرزند انسان جزو کسب و حاصل تلاش او است. بنابراین، نیازی به تخصیص آیه: **«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ»** (سوره النجم: ۳۹). (نیست. و اما ثواب صدقه غیر فرزند، آنطور که از لحن آیات قرآن فهمیده می‌شود، به کسی نمی‌رسد).

شیخ عثیمین می‌فرماید:

این استدلال امام شوکانی، حق و حقیقت است و آنطور که از آیات قرآن فهمیده می‌شود، فقط ثواب صدقه فرزند، به پدر و مادرش می‌رسد. چون او حاصل تلاش آن‌ها است نه ثواب صدقه دیگران.

اما نووی می‌گوید: «اجماع بر این است که صدقه دادن به جای میت، مورد قبول واقع شده و پاداش آن به او می‌رسد». ولی در مقابل شیخ عثیمین می‌فرماید: من این اجماع را به دو دلیل قبول ندارم:

- اجماع به معنای واقعی آن در هیچ مسأله ای جز مسائل ضروری دین، اتفاق نیفتاده است. چنان که ابن حزم، شوکانی و امام احمد نیز همین را گفته‌اند.

۲- بنده اکثر مسائلی را که برخی مدعی اجماع در آن شده‌اند با دقت بررسی نموده، دیده‌ام که اکثریت با اجماع مورد ادعا مخالفت کرده‌اند.

بطور مثال: امام نووی مدعی اجماع علماء بر این مسأله شده که نماز جنازه در اوقات مکروه اشکالی ندارد. در حالی که اکثریت قاطع، خلاف این اجماع است.

همچنان تعدادی از علماء دیگران را بر پدر و مادر قیاس نموده و گفته‌اند: می‌توان از جانب آنان عباداتی انجام داد. ولی شیخ عثیمین این استدلال این عده از علماء را رد نموده و این قیاس را به چند دلیل باطل می‌داند.

۱- مخالفت با لحن کلی بسیاری از آیات قرآن است. چنان که قرآن می‌فرماید: **«وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ»** یعنی هر کس عمل تزکیه آمیزی انجام دهد خود را تزکیه می‌نماید و پدر و مادر هم با تربیت صحیح فرزند خود گامی در جهت تزکیه خود برداشته‌اند. بنابراین، شریک عبادت فرزند خود هستند. اما دیگران از چنین مزیتی برخوردار نیستند.

۲- فرزند حاصل تلاش پدر و مادر است و قرآن می‌گوید: **«كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ»** (ابراهیم: ۵۱). همچنین می‌گوید: «

لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (سوره البقرة: ۲۸۶). یعنی انسان از کسب و تلاش خود بهره مند می‌شود. چنان که حافظ ابن کثیر در تفسیر این آیت: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (سوره النجم: ۳۹).

می‌نویسد: یعنی همانطور که به خاطر گناه دیگران مؤاخذه نمی‌شود، پاداش کار نیک دیگران نیز به او نمی‌رسد. و بر اساس همین آیت امام شافعی و پیروانش می‌گویند: ثواب قرائت قرآن دیگران به مردگان نمی‌رسد. چرا که رسول الله و یارانش این عمل را انجام ندادند و کسی را بر آن تشویق ننمودند و اگر در این امر مزیت و خیری وجود می‌داشت، یقیناً آن‌ها قبل از ما به آن می‌رسیدند. و ناگفته پیدا است که در مسائل عبادی باید به مواردی که ثابت است بسنده نمود، نه این که بر اساس قیاس و رأی خود، نوع جدیدی احداث کرد.

عزین عبدالسلام در «فتاوی» می‌گوید: اگر کسی عبادتی انجام دهد برای این که ثواب آن به کسی دیگر از مردگان و زندگان برسد، نمی‌رسد. زیرا خداوند می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (سوره النجم: ۳۹). مگر مواردی که در شریعت استثناء شده‌اند. مانند صدقه دادن، روزه گرفتن و حج گزاردن به جای میت.

۳- اگر این قیاس درست بود، پس باید به اقتضای آن سلف این امت عمل می‌کردند که خیلی بیشتر از ما شیفته چنین اعمالی بودند. چنان که شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: گذشتگان نیک عادت نداشتند که نماز و روزه و حج نفلی به جای آورند و یا قرآن بخوانند و ثواب آن را به اموات مسلمین ببخشند. بنابراین ما نیز موظف هستیم که از روش گذشتگان پیروی نمائیم. زیرا یقیناً روش آنان بهتر و کاملتر بوده است. (اختیارات علمیه)

باید دانست که رفتار خوب و بد انسان از عقیده و باور او سرچشمه می‌گیرد و اگر انسان معتقد باشد که پس از مرگ او روزانه نماز و نوافل و صدقات بی‌حد و مرزی از جانب مسلمانان سرازیر پرونده‌اش می‌شود، به نوعی اعتماد کاذب دست می‌یابد و در انجام عبادات تساهل می‌ورزد. همانطور که در مسائل مادی وقتی کسی متوجه بشود که از طریق تأمین می‌شود، دست از کار و کوشش برداشته و بر دیگران تکیه می‌نماید.

حتی بسیاری از سرمایه داران به امید این که دیگران بعد از مرگ آن‌ها به جای آنان حج خواهند گزارد، از انجام فریضه حج تساهل می‌ورزند و خطرناک تر از این فتاوی برخی مبنی بر اسقاط نماز از ذمه میت توسط صدقه است که این فتوا موجب سهل انگاری برخی از نادانان در امر خواندن نمازهای فرض می‌شود و این اعتماد، آثار سوء و پیامدهای نامطلوبی در جامعه به جای می‌گذارد. بنابراین باید در امور عبادی پایبند نصوص شرعی بوده، از به کارگیری رأی و قیاس جداً پرهیز کرد.

و شاید به همین خاطر گذشتگان امت بیش از ما در انجام اعمال نیک و عبادات می‌کوشیدند و بعدی‌ها به خاطر اعتماد بر اعمال دیگران به تدریج راه تساهل و تنبلی را در پیش گرفتند.

۴- همچنین آثار نیک و صدقه جاریه‌ای که انسان از خود بر جای گذاشته باشد بعد از مرگ به او می‌رسد. چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَتَكْتَبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاثَرُهُمْ» (یس: ۱۲)

در این مورد غرض روشن شدن بهتر موضوع به چند حدیث ذیل اشاره می‌نمایم:

۱- در حدیثی که ابوهریره (رض) روایت نموده است آمده است: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَالدِّ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ». (هرگاه انسان بمیرد پرونده عملش بسته می‌شود، به جز از سه جهت):

- صدقه جاریه: (صدقه‌ای که نفع آن مداوم و طولانی باشد و مردم بعد از مردن صاحب صدقه، از آن بهره مند شوند. مانند: ساختن مدرسه، راه، پل، بیمارستان و...)

- علم و اثری از خود بر جای گذاشته باشد (که برای مردم نفع داشته باشد، مانند: نوشتن کتاب، ترجمه، تألیف، تعلیم قرآن و علوم دینی و...)

- فرزند نیک و صالح که برای والدین خود دعای خیر کند.

۲- حضرت قتاده (رض) روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: « خَيْرُ مَا يُخَلَّفُ الرَّجُلُ مِنْ بَعْدِهِ ثَلَاثٌ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ وَصَدَقَةٌ تَجْرِي بَيْنَهُمَا وَوَلَدٌ صَالِحٌ تَرَكَهُ وَمُصْحَفًا وَرَثَةً أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ مَفِيدٌ وَكَارَأَمٌ خَوَاهِدٌ بُوَد، عبارت است از:

۱- فرزند صالحی که برای پدر و مادر دعاء کند.

۲- صدقه‌ای که نفعش مستدام باشد.

۳- علمی که بعد از مردن صاحب علم، دیگران از آن بهره مند شوند.

همچنان در حدیثی که از ابو هریره (رض) روایت است آمده است:

«إِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ عِلْمًا عَلَّمَهُ وَنَشَرَهُ وَوَلَدًا صَالِحًا تَرَكَهُ وَمُصْحَفًا وَرَثَةً أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ بَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَحَيَاتِهِ يَلْحَقُهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ أَوْ» (اعمالی که بعد از مرگ نیز ثوابشان ادامه می‌یابد، عبارت‌اند از: علمی که آن را به دیگران آموخته و منتشر کرده است. فرزند صالحی که تربیت کرده و بر جای گذاشته است. قرآنی که تعلیم داده و دیگران آن را از او به ارث برده‌اند، مسجد و یا مسافرخانه‌ای که ساخته است. نهر آبی که آن را حفر کرده و صدقه‌ای که آن را در زندگی و در حال صحت از مال خود داده است.

رسیدن ثواب صدقه برای میت:

شیخ امام حسنین محمد مخلوف در مورد رسیدن ثواب و صدقه برای میت می‌نویسد: در مذهب حنفی آمده که تمام عبادات مثل دعا و استغفار و صدقه و تلاوت و ذکر و نماز و روزه و طواف و حج و عمره و غیره ثواب آن برای میت می‌رسد و می‌شود که ثواب عبادات را برای زنده‌ها و مرده‌ها داد و ثواب آن برای میت می‌رسد. موضوع حکم در کتاب هدایه و البحر به تفصیل بیان گردیده است. در الفتح القدیر از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه وسلم روزی از مقابر عبور می‌کرد تلاوت کرد: (قل هو الله أحد) را یازده مرتبه و اهداء کرد ثواب آن را برای مرده‌ها. مصطفی الزرقا این فتوا را در موضوع رسیدن ثواب به متوفی می‌دهد: از زنده‌ها برای میت‌ها هیچ چیزی نمی‌رسد به غیر از دعا و عبادات و فرستادن ثواب آنها به میت و همچنان دادن صدقه برای فقراء و اشخاص محتاج و کسانی که مستحق گرفتن زکات اند. ولی دادن طعام در مجالس امروزی که متأسفانه برای خود نمائی و رسم رواج و هم چشمی صورت می‌گیرد از جمله عبادات و نزدیک شدن به پروردگار نبوده و هیچ ثوابی از آن برای مرده نمی‌رسد.

فایده ایصال ثواب و صدقه جاریه:

در حدیثی از حضرت انس (رضی) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: در خانه کسی که مرده شود و اهل خانواده از طرف او صدقه نمایند پس ثواب این صدقه را حضرت جبرئیل علیه السلام در ظرف نوری می‌گذارد و به قبر انتقال می‌دهد و برای اهل قبور می‌گوید این تحفه است که اهل خانواده شما برای شما فرستاده است پس شما قبول نمائید. پس مرده خوش حال می‌شود و به همسایه‌های دیگر خوشخبری را بیان می‌کند و به کدام همسایگان که از طرف اقاربش تحفه نیامده است خفه‌اند. (نور الصدر صفحه ۱۳۸) و کتاب احکام میت صفحه ۲۴۹ نوشته مولانا مفتی عثمانی).

فایده استغفار گفتن اولاد به پدر و مادر:

از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت است که برای بنده نیک الله تعالی در جنت درجه بلندی بخشید و او حیران گردد و می گوید ای الله این در چه به من چگونه رسید ، الله تعالی برایش می گوید بنابه برکت استغفار و دعاء فرزندت. (نور الصدر و رساله احکام میت صفحه ۲۴۹ نوشته مولانا مفتی عثمانی).

چهار گونه احسان کردن برای مرده:

از حضرت ابو سعید رضی الله عنه روایت است که شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و عرض داشت یا رسول الله پدر من وفات کرده است و این گونه کدام صورت می باشد که من برای پدر و مادر خود احسان کنم رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود بلی بنابر چهار طریقه تو احسان کرده می توانی :

- ۱- برایشان دعاء کن .
- ۲- کدام نصیحت و وصیت که برایت کرده است به آن قائم باش .
- ۳- دوستان و یاران را عزت و تعظیم نمائید.
- ۴- کسانی که اقارب نیک او می باشد با آنها محبت رفت و آمد کن . (نور الصدر صفحه ۱۲۵) و رساله احکام میت صفحه ۲۵۰ نوشته مولانا مفتی عثمانی).

صفت نیک مرده را بیان کردن:

از حضرت ابن عمر (رض) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است خوی های خوب میت را یاد کنید و از بدی های شان زبان را بند کنید . (نور الصدر صفحه ۱۳۷).

میت از زائرین خود اطلاع می یابد یا خیر؟

در مورد این که میت از زائر خویش اطلاع می یابد و یا خیر عالم شهیر جهان اسلام شیخ عبد العزیز بن باز رحمه الله طی فتوائی می نویسد :

«اینکه میت زائر خود را درک می کند یا خیر، خدا بهتر می داند، هر چند بعضی از سلف چنین معتقد اند، اما تا جایی که می دانم دلیل واضحی برای آن وجود ندارد، با این وجود سنت در زیارت قبور معلوم است؛ و ما بر آنها (اهل قبرستان) سلام می فرستیم، و می گوئیم : «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَآحِقُونَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَفْذِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ». (سلام بر شما مؤمنان و مسلمانانی که ساکن این دیار هستید، همانا ما نیز - این شاء الله - به شما ملحق خواهیم شد، و خداوند بر گذشتگان و آیندگان ما رحم کند، از خدا برای خودمان و شما عافیت می طلبیم »

این مشروع است، اما این که او (یعنی میت) این را احساس می کند یا خیر، نیاز به دلیل واضح دارد و خداوند متعال بهتر می داند، اما چه درک کند یا نکند هیچ ضرری (به زیارت) ما نمی رساند، آنچه بر ماست اینست که به سنت عمل کنیم؛ یعنی مستحب است به زیارت قبور (قبرستان) برویم و برای آنها دعا کنیم هر چند که از زیارت ما آگاه نباشند، زیرا زیارت قبور هم اجری عاید ما می کند و هم فایده ای (برای اموات) است؛ دعائی که ما برای آنها می کنیم به آنها فایده می رساند، و زیارت ما موجب کسب اجر و ثواب خواهد شد، و چونکه زیارت (مردگان قبرستان) باعث یادآوری

مرگ و آخرت می شود و این خود به نفع ماست، میت هم منتفع خواهد شد، چون برایش دعا می کنیم، و طلب استغفار ما از درگاه خداوند برای او سودمند است.

اما ایستادن کنار قبر؛ امر در آن واسع است: اگر کنار قبر ایستاد ایرادی ندارد، و اگر در حاشیه و کناره قبرستان قرار گرفت و سلام کرد باز کفایت می کند، پس هرگاه در کنار قبور ایستاد، بگوید: «السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین، وإنا إن شاء الله بکم لاحقون، نسأل الله لنا ولكم العافیة، یرحم الله المستقدمین منا والمستأخرین» همین کافیهست، ولی اگر (مثلاً) نزدیک قبر پدرش یا برادرش برود بهتر و کاملتر است، پس نزد قبر برادر یا پدر یا فامیلش یا دوستش رفته و بایستد و سلام کرده و برایش دعا کند:

«غفر الله لك ورحمک الله، وضاعف حسناتک: خداوند تو را ببخشد و مورد رحم خویش قرار فرماید، و اجر حسناتت را بپذیرد» این بهتر و کامل تر است. «فتاوی نور علی الدرب» (۱/۱۹۵). سماحة شیخ عبد العزیز بن باز رحمة الله

سوگواری شرعی زنان:

هر زمانی که یکی از اقارب نزدیک خانواده زن به گونه نمونه، مثل برادر، عمه، مادر، کاکا و... فوت نماید، می تواند تا مدت سه روز از آرایش، استعمال بوی معطر، کشیدن سرمه بر چشم، استعمال حنا و استفاده از زینت آلات و لباس های رنگارنگ خودداری نماید.

ولی هرگاه شوهر زن فوت کند، واجب است برای مدت چهار ماه و ده روز سوگواری نماید. در حدیثی که از ام عطیه روایت است: «کنا ننهی أن نحد علی میت فوق ثلاث، إلا علی زوجة أربعة أشهر و عشرا، ولانکتحل، ولانطیب، و لانلبس ثوبا مصبوغا إلا ثوب عصب، و قد رخص لنا عند الطهر إذا اغتسلت إحدانا من حیضها فی نبذة من کست أظفار، و کنا ننهی عن اتباع الجنائز» (متفق علیه).

«ما نهی می شدیم از این که برای مرده هایمان بیش از سه روز سوگواری کنیم؛ مگر برای فوت شوهر که چهار ماه و ده روز سوگواری می کردیم، از سرمه و بوی خوش استفاده نمی کردیم و لباس رنگارنگ نمی پوشیدیم مگر لباس یمنی، و وقتیکه از حیض پاک می شدیم و غسل می کردیم به ما اجازه داده می شد که تکه ای بخور (ماده ای خوشبو) به کار ببریم (تا بوی بد اثر خون را از بین ببرد) و از تشییع جنازه نیز نهی می شدیم».

از ام سلمه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «المتوفی عنها لاتلبس المعصر من الثیاب، ولا الممشق من الحی، ولا تختضب، ولا تکتحل» (صحیح ابوداود ۲۲۸۷) «زنی که شوهرش فوت کرده است باید از پوشیدن لباسهای زرد و قرمز و استفاده از جواهر آلات و حناء و سرمه خودداری کند».

طوری که گفتیم، زنی که شوهرش فوت کرده است، مدت چهار ماه و ده روز سوگواری را در منزل همسر می گذارند، اما خانمی که طلاق رجعی داده شده لازم نیست که آن مدت را به عزا بنشیند، اما اکثر علماء آن را برای آن خانم نیز مستحب می دانند.

زنی که شوهرش فوت کرده است، در مدت چهار ماه و ده روز عزاداری، برای کارهای ضروری روزانه می تواند از خانه خویش خارج شود، اما حتماً باید شبها به منزل خود بازگردد. همچنان که گفته شد سوگواری بر زنی که شوهرش فوت کرده واجب است.

در مذهب امام ابوحنیفه آن را بر زنان مطلقه که در طلاق بانه صغری و کبری باشند، واجب می شمارد ولی اکثریت فقها آن را مستحب می دانند و زنانی که از طریق طلاق «رجعی یا بائن» طلاق داده شده اند از نظر امام ابوحنیفه نه

شب و نه روز را نباید از منزل خارج شوند، اما پیروان مذهب شافعی می‌گویند تنها در صورتی زن در حال گذراندن عده می‌تواند منزل را ترک کند که ضرورتی وجود داشته باشد.

عده برای زن شوهر دار:

برای زن شوهر مرده که در حال گذراندن عده می‌باشد پنج چیز حرام است که در اصطلاح «حداد» نامیده می‌شود:

اول:

استفاده از هر نوع عطر و خوشبوئی خودآرائی با زدن رنگ و سرمه کشیدن به چشم : زن شوهر مرده نباید نه به بدنش و نه به لباسش عطر بزند و همچنین اشیاء و وسایل خوشبو و عطری را استعمال نکند؛ به دلیل فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح: «ولا تمس طیباً». «زن شوهر مرده نباید عطر استفاده کند».

دوم:

استفاده از آرایش در بدنش: بر وی حنا کردن و استفاده از هر نوع آرایش همانند سرمه کشیدن، رنگ کردن پوست حرام است، جز در مواردی که هدف از استفاده درمانی باشد نه تزئین و آرایش. لذا برای درمان می‌تواند شب‌ها از سرمه استفاده کند و روزها آن را پاک نماید. همچنین چشمش را می‌تواند با داروها غیر از سرمه درمان کند؛ البته چیزهایی که برای آرایش و تزئین نباشد.

سوم:

استفاده از لباس‌های زر و زیوردار، بلکه بر وی واجب است که از لباس‌هایی استفاده کند که زر و زیور نداشته باشد، ولی رنگ خاصی بر وی واجب نمی‌شود، بلکه هر چه که به طور عادی می‌پوشد، استفاده نماید.

از ام عطیه روایت است : (كنا نهي أن نحد علی میت فوق ثلاث، إلا علی زوجة أشهر و عشرا، ولانكتحل، ولانطيب، و لانلبس ثوبا مصبوغا إلا ثوب عصب، و قد رخص لنا عند الطهر إذا اغتسلت إحدانا من حیضها فی نبذة من كست أظفار، و كنا نهي عن اتباع الجنائز) متفق علیه.

«ما نهي می‌شدیم از این که برای مرده‌هایمان بیش از سه روز احداث کنیم؛ مگر برای فوت شوهر که چهار ماه و ده روز احداث می‌کردیم، از سرمه و بوی خوش استفاده نمی‌کردیم و لباس رنگارنگ نمی‌پوشیدیم مگر لباس یمنی، و وقتی که از حیض پاک می‌شدیم و غسل می‌کردیم به ما اجازه داده می‌شد که تکه‌ای بخور (ماده‌ای خوشبو) به کار ببریم (تا بوی بد اثر خون را از بین ببرد) و از تشییع جنازه نیز نهي می‌شدیم».

از ام سلمه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : (المتوفی عنها لاتلبس المعصفر من الثیاب، ولالمامشوق من الحی، ولاتختضب، ولاتکتحل) صحیح ابوداود ۲۲۸۷ «زنی که شوهرش فوت کرده است باید از پوشیدن لباسهای زرد و قرمز و استفاده از جواهر آلات و حناء و سرمه خودداری کند».

چهارم:

پوشیدن و استفاده از هر نوع طلا حتی انگشتر.

پنجم:

شب ماندن در منزل و خانه‌ای که مال شوهرش نیست و بدون عذر شرعی از منزلی که شوهرش در آن وفات کرده بود و خودش در آن زندگی می‌کرد، جابه جا نشود، حتی برای عیادت مریضی بیرون نرود، یا برای دیدن و زیارت دوستی و یا فامیل نزدیکی بیرون نرود، ولی در روز برای نیازهای ضروری زندگی‌اش می‌تواند بیرون رود حرف زدن در تلیفون باعث فتنه نمی‌شود، برایش جایز است. برای زنی که شوهرش وفات نموده، گرفتن ناخن و موهای زاید و به طور کلی نظافت، اشکالی ندارد.

و غیر از موارد پنجگانه فوق از چیزهای دیگری که خداوند حلال نموده است، نباید باز داشت.

امام ابن القیم در کتاب (الهدی النبوی) (۵/۵۰۷) گفته است: از چیدن ناخن‌ها و تمیز کردن موی زیر بغل و سایر موهای زاید بدن، و از غسل کردن با سدر (برگ کنار) و حمام نمودن و شانه کردن موی سرش باز داشته نمی‌شود.

شیخ الاسلام ابن تیمیه در مجموع الفتاوی (۲۷/۳۴، ۲۸) گفته است: برای وی جایز است هر آنچه را که خداوند حلال نموده است بخورد همانند میوه و گوشت: همچنین بنوشد هر آنچه را که خداوند حلال کرده است. در ادامه گفته است: همچنین هر کار و حرفه حلالی که می‌تواند مشغول شود بر وی حرام نیست مثل گلدوزی، خیاطی، پشم‌ریسی و امثال اینها که معمولاً زنان انجام می‌دهند؛ همچنین سایر چیزهایی که برای زن در غیر مدت عده جایز بود، مثل حرف زدن با مردانی که نیاز است زن با آنها صحبت کند، البته با رعایت پوشش و بودن در ستر جایز است؛ این چیزهایی است که در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده است، و همان چیزهایی است که زنان اصحاب پس از وفات شوهرهایشان انجام می‌دادند.

آنچه را که مردم عوام و ناآگاه می‌گویند که زن شوهر مرده باید صورت خود را از مهتاب بپوشاند و به پشت بام منزل هرگز بالا نرود، و یا با مردان اصلاً صحبت نکند، و یا باید صورت خود را از محارم خویش بپوشاند و امثال اینها؛ هیچ اصل و سندی ندارد.

ادامه دارد